

هرمز جعفری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۱۹

سمانه آشوبی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۱۴

چکیده

تاریخ روابط دوجانبه ایران و روسیه همواره وضعیتی سینوسی و دوره‌هایی از بهبود و تعدیل را تجربه کرده است. از این رو، می‌توان گفت همکاری، رقابت و بعضاً تعارض مشخصه بارز روابط دو کشور در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی است. دو کشور در موضوعات و عرصه‌های مختلفی همچون برنامه اتمی ایران، در دست گرفتن بازار انرژی و مسایل خاورمیانه به‌ویژه در بحران سوریه و منازعه در فلسطین اشغالی با وجود سطحی از همکاری دارای منافع و سیاست‌های متفاوت و بعضاً ناسازگاری هستند. از این رو این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال است که مهمترین عامل یا عوامل تعارض و تداخل منافع دو کشور جمهوری اسلامی ایران و روسیه در عرصه سیاست خارجی کدامند؟ فرضیه‌ای که در این زمینه ارایه شده است این است که مهمترین عامل رقابت و اختلاف منافع دو کشور ایران و روسیه جایگاه متفاوت دو کشور در ساختار قدرت بین‌المللی است. در این زمینه، از روش توصیفی - تحلیلی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و منابع موجود استفاده شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش آنچه که عمده‌ترین جمهوری اسلامی ایران را در کنار روسیه قرار می‌دهد رویکرد و منافع موازی دو کشور در مقابله با یکجانبه‌گرایی و نفوذ بین‌المللی آمریکا است، این در حالی است که با توجه به رقابت‌های ژئوپلیتیکی و تفاوت در اهداف بین‌المللی واگرایی منافع دو کشور به‌ویژه در سطوح کلان و استراتژیک برجستگی بیشتری دارد.

واژگان کلیدی: ایران، روسیه، برنامه اتمی، آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه.

jafarihormoz@yahoo.com

۱- دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی.

۲- کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد.

مقدمه

ایران و روسیه به عنوان دو کشور قدرتمند منطقه‌ای و جهانی تعاملات گسترده‌ای در عرصه سیاست خارجی با همدیگر داشته و دارند. درواقع، ملهم از موقعیت ژئوپلیتیک آنها، دو کشور ناگزیر از داشتن تعامل دو و چندجانبه در عرصه سیاست خارجی طی قرون گذشته بوده‌اند.

تجربه تاریخی ایرانیان نسبت به روسیه مملو از خاطرات تلخی است که بیانگر تهاجم، تجزیه سرزمینی و استفاده از کارت ایران به منظور تامین منافع روسیه در تقابل با غرب بوده است. درواقع وقتی از نگاه یک ایرانی به روسیه نگریسته می‌شود، معاهدات گلستان و ترکمنچای در اوایل قرن نوزدهم، به توپ بستن مجلس مشروطه در قرن بیستم، اشغال نظامی ایران طی جنگ جهانی دوم، حمایت از جمهوری‌های آذربایجان و مهاباد، حمایت این کشور از حزب توده، اشغال افغانستان و حمایت از حکومت صدام حسین طی جنگ هشت ساله خودنمایی می‌کنند. با وجود این، با خروج شوروی از افغانستان، اتمام جنگ تحمیلی و به‌ویژه از هم پاشیدن شوروی و ظهور روسیه تعاملات دو طرف بهبود یافت و فصل جدیدی در روابط بین دو کشور آغاز گردید؛ اما این پایان ماجرا نبود و بار دیگر از سال‌های ۱۹۹۵ الی ۲۰۱۲ روابط ایران و روسیه، با وجود برخی میان‌پرده‌های نسبتاً مطلوب، به سردی گرایید که نمونه بارز آن امضا توافقنامه الگور-چرنومردین در ۱۹۹۵ که تا سال ۲۰۰۰ معتبر بود، حمایت از قطعنامه‌های سازمان ملل در جریان جنجال بر سر برنامه اتمی، عدم پایبندی به تعهدات در خصوص اتمام پروژه‌های نیروگاهی و تاخیر چند ساله در تحویل سامانه‌های موشکی اس-۳۰۰ می‌باشند.

از سال ۲۰۱۲، با روی کار آمدن دوباره ولادمیر پوتین و حل‌وفصل پرونده اتمی ایران بار دیگر شاهد بهبود روابط ایران و روسیه در ابعاد دو و چندجانبه می‌باشیم. با توجه به گسترش روابط آنها، طیف وسیعی از گمانه‌زنی‌ها در خصوص روابط دو کشور در عرصه دو و چندجانبه را در میان متفکرین و اندیشمندان این حوزه مطالعاتی شاهد هستیم. برخی از نخبگان اجرایی فعال در این حوزه نیز اظهارنظرهایی مبنی بر استراتژیک بودن روابط ایران و روسیه^۱ و همچنین متحد طبیعی

۱- نیکولایو، رئیس کمیسیون دفاعی مجلس دوماي روسیه، اعلام کرد که «ایران یک متحد استراتژیک در جنوب روسیه است». درعین حال کمال خرازی، وزیر امور خارجه وقت ایران، بیان داشت که «همکاری با روسیه از ارجحیت استراتژیکی برای ایران برخوردار است» (Aras and Ozbay, 2008:54). همچنین وزیر خارجه سابق روسیه، کوزیروف، همکاری بین ایران و روسیه برای ایجاد ثبات در آسیای مرکزی و قفقاز را استراتژیک خوانده بود (Pieper, 2012:2).

بودن^۱، ارایه کرده‌اند. با وجود این، برخی نیز رویکرد متفاوتی در این زمینه دارند. به‌عنوان مثال، در این زمینه اف‌ریم کام معتقد است بهبود روابط ایران و روسیه در سطح استراتژیک نیست و این دو کشور دارای اختلاف‌نظرهای مختلفی در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی هستند (Kam, 2016). همچنین افرادی همچون زوی ماگین، یودی دکل و سارا فاینبرگ^۲، از محققین برجسته موسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل، رویکرد و اهداف دو کشور را در سطح منطقه خاورمیانه متفاوت می‌دانند. از نظر آنها ایران در سوریه به دنبال اهداف منطقه‌ای خود برای حفظ محور شیعی و تحکیم هژمونی منطقه‌ای خود است، در حالی که روسیه با نگاهی جهانی به دنبال گسترش نفوذ خود و پایان دادن به تسلط یک‌جانبه غرب در این منطقه است. امری که به معنی تقابل این کشور با کشورهای منطقه از جمله اسرائیل و یا کشورهای عربی نیست (Magen, Dekel, and Fainberg, 2016).

به‌طور کلی دو کشور ایران و روسیه، با وجود توسعه روابط دوجانبه، دارای اختلاف منافع در موضوعات و حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی – امنیتی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز هستند که شناخت آنها از اهمیت زیادی به‌منظور تصمیم‌گیری درست و منطقی توسط نظام تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران برخوردار می‌باشد. از این‌رو، در ادامه تلاش می‌شود که به این سوالات پاسخ داده شود که با وجود همکاری و منافع مشترک، علت یا عوامل رقابت و اختلاف منافع دو کشور ایران و روسیه کدامند؟ در راستای پاسخ‌گویی به سوال پژوهشی مطروحه این فرض مطرح می‌گردد که «چنین به‌نظر می‌رسد که مهمترین عامل رقابت و اختلاف منافع دو کشور ایران و روسیه جایگاه متفاوت دو کشور در ساختار قدرت بین‌المللی است».

چارچوب مفهومی

در عرصه تئوریک نظریه‌ها و چارچوب‌های تحلیلی متعددی برای تحلیل و درک سیاست خارجی کشورها مطرح شده‌اند. در این میان نظریه‌های منتسب به مکتب ژئوپلیتیک و مکتب رئالیسم (رئالیسم نوکلاسیک) از جایگاه برجسته‌ای برخوردار هستند.

۱- سرگی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، ایران را متحد طبیعی روسیه در خاورمیانه در مبارزه با رادیکالیسم اسلامی اعلام کرد (Dutkiewicz and Kozhanov, 2016:7).

2- Zvi Magen, Udi Dekel, Sarah Fainberg.

از نظر ژئوپلیتیکست‌ها موقعیت جغرافیایی کشور از عوامل تاثیرگذار بر قدرت ملی آن محسوب می‌گردد. به همین دلیل، جغرافیا را از کلیدهای اصلی گشودن رمز سیاست دفاعی و استراتژیک می‌دانند. برخی از این هم‌فراثر رفته‌اند و معتقدند سیاست هر کشوری را جغرافیای آن کشور تعیین می‌کند. موقعیت جغرافیایی است که تعیین می‌کند یک کشور جز قدرتهای دریایی، کشورهای محصور در خشکی و یا برخوردار از امتیاز ساحلی بودن است (زین‌العابدین و کارساز، ۱۳۸۹: ۴۶). هاوز هوفر ژئوپلیتیک را تحقیق در رابطه میان زمین و سیاست می‌داند. ژئوپلیتیک نشان می‌دهد که چطور عوامل جغرافیایی سیاست را تعیین می‌کنند. عوامل جغرافیایی یعنی وسعت، پستی‌وبلندی، آب‌وهوا، محل کشور و زمین درواقع یکی از مبانی مهم قدرت یک کشور است. برخی صاحب‌نظران ژئوپلیتیک مانند مکیندر و هاوز هوفر معتقدند که موقعیت جغرافیایی تمام سیاست خارجی یک کشور را تعیین می‌کند. در این زمینه ناپلئون نیز معتقد بود که سیاست خارجی کشورها به‌وسیله موقعیت جغرافیایی آنها تعیین می‌شود (جعفری ولدانی، ۱۳۸۹: ۸۴). از نظر ناپلئون سیاست دولت‌ها در جغرافیای آنان است. به گفته وی اگر می‌خواهید سیاست یک کشور را درک کنید به نقشه جغرافیایی آن نگاه کنید. عوامل جغرافیایی متعدد هستند و یکی از آنها موقعیت جغرافیای است. موقعیت جغرافیایی کشورها نقش مهمی در سیاست خارجی آنها دارد. به عقیده اسپایکمن موقعیت جغرافیایی یک کشور با سیاست خارجی آن تطابق اساسی دارد. موریس دوورژه می‌گوید اگر فرانسه را به اقیانوس آرام منتقل کنیم، سه چهارم اهمیت سیاسی آن در جهان از میان خواهد رفت. با وجود اغراق‌آمیز بودن برخی از این ادعاها، اما ادبیات تئوریک مطروحه بیانگر اهمیت برجسته موقعیت جغرافیایی یک کشور در تدوین سیاست خارجی آن هستند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۹: ۳۹).

از نظر آلفرد ماهان موقعیت جغرافیایی نیمکره شمالی کلید قدرت جهانی است و در داخل این نیمکره، اوراسیا مهمترین جز می‌باشد (زین‌العابدین و کارساز، ۱۳۸۹: ۴۷). هالفورد مکیندر نظریه «هارتلند» یا دل زمین را مطرح کرد. از دید او منطقه اروپای شرقی هارتلند بود و هر کشوری این منطقه را در اختیار داشته باشد بر مناطق پیرامونی مسلط خواهد شد و بدین‌سان بر جهان چیرگی خواهد یافت. علاوه بر این، از نظر او خاورمیانه در شمار مناطق حلال گونه و کلیدی است و به همین دلیل همواره میدان کشمکش شوروی و آمریکا بود. از آنجاکه هارتلند در دست شوروی بود آمریکا

همواره از تسلط اتحاد جماهیر شوروی بر مناطق حلال گونه مانند خاورمیانه نگرانی داشتند؛ اما اسپایکمن با نظریه «ریملند» (مناطق حاشیه‌ای) رویکرد متفاوتی در این زمینه ارایه کرد. وی بر این باور است که هر دولتی که مناطق ریملند را در اختیار داشته باشد بر جهان حکمرانی خواهد کرد. اس.بی کوهن نیز خاورمیانه را در چارچوب نظریه «کمربندهای شکننده» تحلیل کرده است. بر پایه این نظریه خاورمیانه میان دو قدرت خشکی (شوروی) و دریایی (آمریکا) قرار گرفته است و زیر فشار این دو قدرت خرد می‌شود (جعفری ولدانی، ۱۳۸۵: ۲۲۶).

علاوه بر تأکیدی که ژئوپلیتیست‌ها بر چگونگی تدوین سیاست خارجی داشته‌اند، در میان دیگر مکاتب تئوریک در عرصه علم روابط بین‌الملل، رئالیسم نوکلاسیک نیز از جایگاه برجسته‌ای در نزد علمای روابط بین‌الملل برای تحلیل سیاست خارجی برخوردار است. واقعگرایی نوکلاسیک عناصر و مولفه‌هایی از واقعگرایی کلاسیک و نو واقعگرایی را در هم می‌آمیزد. به گونه‌ای که هر دو دسته از متغیرهای سیستمیک و سطح واحد را ترکیب می‌کند تا سیاست خارجی کشورهای مشخص و معین را تحلیل نماید. از یک سو همچون نو واقعگرایی تاثیر و اهمیت آنارشی بر رفتار کشورها را می‌پذیرد و با این مفروض آغاز می‌کند که نظام بین‌الملل آنارشیک گزینه‌ها و انتخاب‌های سیاست خارجی آنها را محدود و مقید می‌سازد؛ یعنی اولویت و تقدم علی در عوامل تعیین کننده سیاست خارجی با متغیرهای مستقل سیستمیک است. به گونه‌ای که اهداف، آمال و مفاد سیاست خارجی کشورها پیش از هر چیز از قدرت مادی نسبی آنها نشأت می‌گیرد؛ اما از سوی دیگر مانند واقعگرایی کلاسیک، تاثیر ویژگی‌های کشورها و متغیرهای سطح واحد، البته فراتر از ذات ناقص و معیوب انسان، بر رفتار آنها را مورد توجه و تحلیل قرار می‌دهد. از این رو، از منظر نوکلاسیک‌ها تاثیر مقدرات و امکانات قدرت بر سیاست خارجی پیچیده و غیرمستقیم است؛ زیرا فشارها و محدودیت‌های سیستمیک از طریق متغیرهای سطح واحد میانجی مانند ادراکات و برداشت‌های تصمیم‌گیرندگان و ساختار دولت بر سیاست خارجی تاثیر می‌گذارد. لذا باید بررسی کرد که چگونه توزیع قدرت در نظام بین‌الملل به همراه انگیزه‌ها و برداشت‌های داخلی کشورها از این نظام به سیاست خارجی آنها شکل می‌دهد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۷۸-۲۷۶).

واقعگرایان نوکلاسیک به جای تاکید بر یکی از دو متغیر مستقل و وابسته به مانند نوواقعگرایان و یا واقعگرایی کلاسیک، بر تلفیقی از سه متغیر: عوامل سیستمیک به عنوان متغیر مستقل، عوامل

سطح واحد (درک رهبران، منابع ملی و ...) به عنوان متغیر مداخله گر و سیاست خارجی به عنوان متغیر وابسته تاکید دارند. این دسته از واقع‌گرایان در پی پاسخگویی به پرسش‌های نظری ذیل هستند: دولت‌ها تحت چه شرایطی منافع سیاسی خود را در عرصه خارجی گسترش می‌دهند؟ چه رابطه‌ای بین رفتار بیرونی یک دولت و بسیج درونی آن وجود دارد؟ نخبگان سیاسی چه درک و برداشتی از مفهوم قدرت در سیاست جهانی دارند؟ چگونه دولت‌ها خود را با تغییرات در قدرت نسبی خود هماهنگ می‌کنند؟ دولت‌ها چگونه و با چه شیوه‌هایی با تهدیدات و فرصت‌های موجود در محیط بیرونی‌شان برخورد می‌کنند؟ دولت‌ها چه تغییراتی در استراتژی‌های خود در وارد شدن و یا عدم ورود به اتحاد با یکدیگر می‌دهند (زیباکلام و عرب عامری، ۱۳۹۳: ۱۷۷-۱۷۶).

در این زمینه مفروضه‌های اصلی نظریه ژئوپلیتیک همچون موقعیت جغرافیایی دو کشور ایران و روسیه در شمال و جنوب آسیای مرکزی و قفقاز از یک سو و مفروضه‌های اصلی نظریه رئالیسم ساختاری در زمینه تعیین کننده بودن قدرت ملی و ساختار قدرت نظام بین‌الملل در چگونگی تدوین سیاست خارجی متفاوت دو کشور ایران و روسیه موثر هستند.

یک. عرصه‌های اختلاف منافع جمهوری اسلامی ایران و روسیه

دو کشور ایران و روسیه در تعقیب منافع خود با توجه به الزاماتی که موقعیت ژئوپلیتیکی‌شان بر آنها تحمیل می‌کند و درکی که از جایگاه خود در ساختار نظام بین‌الملل دارند عمل می‌کنند و از این دریچه به فرآیندها و تحولات سیاسی بین‌المللی می‌نگرند. این بدین معنی است که روسیه در طرح‌ریزی سیاست‌های خود برای مناطق و موضوعات مختلف از دریچه جایگاه جهانی خود می‌نگرد در حالی که نگاه ایران از دریچه جایگاه منطقه‌ای آن است. این امر ناشی از تفاوت در میزان قدرت و وضعیت ژئوپلیتیکی متفاوت دو کشور ایران و روسیه است، امری که وجود تفاوت در منافع و نوع نگاه آنها به تحولات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی آنها را ناگزیر کرده است. در ادامه برخی از مهمترین مسایل بین‌المللی و منطقه‌ای همچون برنامه اتمی ایران، تحولات حوزه آسیای مرکزی و قفقاز، مسایل خاورمیانه که بیانگر منافع و نگاه متفاوت دو کشور روسیه و ایران در سطح بین‌المللی هستند را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱-۱. برنامه اتمی ایران

راهبرد روسیه در خصوص برنامه اتمی ایران، به عنوان یکی از اعضا دایم شورای امنیت و به عنوان

مهمترین شریک در همکاری‌های بین‌المللی مربوط به برنامه اتمی این کشور، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. روسیه از یک سو مهمترین شریک ایران در توسعه برنامه‌های نیروگاهی می‌باشد و از سوی دیگر یکی از امضا کنندگان ارسال پرونده اتمی ایران به شورای امنیت و نهایتاً تصویب قطعنامه‌های این شورای در اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران بوده است. این کشور ضمن تلاش برای حفظ روابط خود با ایران، نسبت به مسلح شدن آن به بمب اتمی نیز نگران بوده و در این راستا با همراهی تحریم‌های بین‌المللی در اعمال فشارهای بین‌المللی بر ایران مشارکت کرده است. روسیه حتی خود ارایه دهنده برخی از طرح‌های مطروحه‌ای بود که غنی‌سازی اورانیوم در خاک ایران را ممنوع و یا به جد محدود می‌کرد و انجام فرآیند غنی‌سازی و بازآوری بازمانده سوخت‌های نیروگاهی را در خاک روسیه پیشنهاد می‌کرد. این کشور نسبت به عدم تصویب معاهده الحاقی در ایران واکنش نشان داد و ایران را به این دلیل مورد سرزنش قرار داد. حتی بحران سال ۲۰۰۸ گرجستان نیز منجر به تغییر روش و رویکرد روسیه در این زمینه نشد و روس‌ها کمافی سابق با مجموعه غرب در اعمال فشار بر ایران همراهی خوبی کردند که نمود آن را در اعمال تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل تا سال ۲۰۱۰ دیده شد. شاید مهمترین دلایل روس‌ها برای اتخاذ چنین رویکردی را چنین خلاصه کرد:

در این زمینه روسیه با وجود تلاش برای مقابله با رویکرد یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا، سعی بر آن داشته که خود را به‌عنوان یک قدرت جهانی مسئولیت‌پذیر معرفی کند که مصالح جامعه جهانی را فدای تعاملات دوجانبه با ایران نمی‌کند.

طی سال‌های آخر دهه اول هزاره سوم، روسیه در حال مذاکره با آمریکا به‌منظور امضای معاهده کاهش تسلیحات استراتژیک (استارت جدید) بود.^۱ درواقع، روسیه توان مدرنیزه کردن ذخیره تسلیحات اتمی خود به‌مانند آمریکا را نداشت، ازاین‌رو، مصرأ خواهان امضا معاهده مزبور به‌منظور حفظ برابری تسلیحات استراتژیک خود با تسلیحات استراتژیک اتمی آمریکا بود؛ امری که با مخالفت کنگره آمریکا همراه بود. روسیه به‌منظور جلب اعتماد و همراهی کنگره آمریکا با معاهده مزبور، سعی کرد خود را همراه آمریکا در مدیریت تحولات بین‌المللی نشان دهد. ازاین‌رو، ضمن

1- Strategic Arms Reduction Treaty.

عدم تحویل سیستم دفاع موشکی اس-۳۰۰^۱ به ایران با تحریم‌ها و اعمال فشارهای بین‌المللی بر ایران همراهی کرد (Katz, 2012: 57-61). با وجود این همراهی‌ها، باید توجه داشت که استراتژی کلی فروش تسلیحاتی روسیه نیز در راستای استراتژی کلان بین‌المللی این کشور مبنی بر مقابله با آمریکا و ایجاد جهان تک‌قطبی است (Aras and Ozbay, 2008:51).

علاوه بر این، بین روسیه و آمریکا، دشمن شماره یک جمهوری اسلامی ایران، در مبارزه با اسلام سیاسی و عدم گسترش تسلیحات کشتارجمعی در خاورمیانه توافق نظر وجود دارد. روسیه یکی از کشورهای حامی کنفرانس هلسینکی برای ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای و سلاح‌های کشتارجمعی در خاورمیانه است (Handa, 2012:3-5).

تعاملات روسیه و اسرائیل در رفتار این کشور در عرصه سیاست خارجی تاثیرگذار هستند. طی همین زمان روسیه در حال مذاکره برای خرید هواپیماهای بدون سرنشین از رژیم صهیونیستی بود، از این رو عدم تحویل سامانه موشکی اس-۳۰۰ و کمک به حفظ فشارهای بین‌المللی بر ایران به اجرایی شدن این معامله نسبتاً مهم برای روسیه کمک می‌نمود (Katz, 2012: 57-61).

روسیه نسبت به معرفی خود به عنوان حامی حقوق بین‌الملل و رعایت قواعد بین‌المللی احتمال داشته است^۲. این کشور بارها مدعی شده است که این روسیه بوده است که ایران را به امضا ان پی تی مجاب کرده و اتمام پروژه اتمی بوشهر را منوط به تصویب معاهده الحاقی کرده است. روسیه مخالف دستیابی ایران به تکنولوژی‌های کلیدی اتمی است، از این رو، خواهان عدم غنی‌سازی در ایران و انجام این فرآیند در خارج از ایران، در خاک روسیه بود، مسئله‌ای که سیاست حفظ انحصار روسیه در تولید و فروش سوخت اتمی به ایران در آن بیتاثیر نبوده است (Arbatov, 2014).

مسئله دیگری که اختلاف منافع ایران و روسیه را، در دوره پسا برجام^۳ برجسته می‌کند گرایش ایران به همکاری اتمی با دیگر کشورها به‌ویژه چین است، امری که خوشایند روسیه نیست. در واقع،

۱- از آنجاکه مهمترین هدف ایران از خرید سیستم دفاع موشکی اس-۳۰۰ حفاظت از تاسیسات اتمی این کشور در مقابل حمله احتمالی آمریکا و به‌ویژه اسرائیل بود، چنانچه گزارش ژانویه ۲۰۰۹ در این زمینه که آمریکا درخواست اسرائیل برای حمله به ایران در سال ۲۰۰۸ را رد کرده است، آمریکا در جهت محافظت از منافع ایران بهتر از روسیه عمل کرده است، چراکه روسیه از تحویل سامانه مزبور امتناع کرد، امری که در صورت اجرایی شدن می‌توانست طرح‌های اسرائیل برای حمله به ایران را نقش بر آب کند و آمریکا مانع از حمله احتمالی اسرائیل به ایران شده است (Katz, 2012: 59-60).

۲- روسیه دلیل عدم مشارکت در کمپین ضد داعش به رهبری آمریکا را چنین توجیه می‌کند که مخالف مداخله نظامی در سوریه بدون مجوز سازمان ملل و درخواست دولت بشار اسد است (Magen, 2014:2).

۳- برنامه جامع اقدام مشترک (Joint Comprehensive Plan of Action).

چین در دهه ۱۹۹۰ نسبت به همکاری با ایران در توسعه تاسیسات اتمی خود علاقمند بود، اما تحت فشارهای آمریکا از این برنامه خود سرباز زد. در شرایط کنونی که پرونده اتمی ایران با آنچه برجام خوانده می‌شود حل و فصل شده است شرایط برای ورود چین به این عرصه جدید نیز فراهم شده است. در نظر ایران گسترش روابط با چین به معنی فراهم شدن حمایت از سوی یکی از رهبران نظم جهانی کنونی و افزایش سرمایه‌گذاری این کشور در بخش‌های مختلف اقتصادی است، امری که تهدیدی جدی برای انحصار روسیه در بازار اتمی ایران محسوب می‌گردد^۱ (Ivanov, 2014:38). در شرایط فعلی که منازعه بر سر برنامه اتمی ایران به پایان رسیده است و روند لغو تحریم‌های بین‌المللی شروع شده است، شرایط برای اجرایی شدن چنین سیاستی از سوی ایران نیز بیش‌ازپیش فراهم شده است. بدیهی است که اجرایی شدن چنین سیاستی در راستای منافع روسیه نیست، زیرا همانطور که متفکرین نظریات کارکردگرایی مطرح کرده‌اند، تعاملات در حوزه تکنولوژی اتمی می‌تواند گسترش تعاملات در دیگر حوزه‌های اقتصادی همچون انرژی، تعاملات سیاسی و نزدیکی ایران به غرب و کاهش اتکا این کشور بر روسیه را به دنبال داشته باشد، واقعیتی که از پشتیبانی افکار عمومی نیز برخوردار است (Ivanov, 2014:32).

۱-۲. ایران و روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز

در کنار وضعیت ژئوپلیتیکی، منافع روسیه در منطقه آسیای مرکز و قفقاز نیز با توجه به برداشت این کشور از خود به‌عنوان یک قدرت جهانی قابل تفسیر است و درواقع روابط درون منطقه‌ای انعکاسی از نفوذ جهانی روسیه است (Pieper, 2012:2). از نگاه کرملین، کشورهای این منطقه جدا شده از شوروی، قلمرو اعمال آیین مونرو روسی هستند و خارج به حساب نمی‌آیند (عطائی و شیبانی، ۱۳۹۰: ۱۳۸). از این منظر روسیه، با رویکردی استراتژیک، ایران را به‌عنوان همراهی استراتژیک برای ایجاد موازنه در برابر نفوذ آمریکا و ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز می‌نگرد، اما هرگز با دیدگاه ایران نسبت به آمریکا به‌عنوان یک تهدید امنیتی قریب‌الوقوع موافق نیست^۲. علاوه بر این،

۱- حضور در پروژه‌های اتمی ایران و به‌ویژه پروژه‌های نیروگاهی آن منافع و سود قابل توجهی را برای روسیه در پی دارد. در این زمینه علی‌اکبر صالحی میزان سرمایه‌گذاری در ساخت دو نیروگاه اتمی توسط روسیه را ۱۰ میلیارد دلار اعلام کرد که خود بیانگر حجم عظیم سرمایه مالی و سود اقتصادی در چنین پروژه‌های برای روسیه است (ایران آنلاین، ۱۳۹۵/۰۶/۱۶).

۲- از نظر جمهوری اسلامی ایران یکی از اهداف اصلی آمریکا در خاورمیانه سرنگونی نظام سیاسی این کشور است که بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر رنگ و بوی جدی‌تری نیز به خود گرفته است. از نگاه ایران حوادث ۱۱ سپتامبر بهانه‌ای برای در اولویت قرار گرفتن خاورمیانه و موضوع مبارزه با گسترش سلاح‌های هسته‌ای شد که در صدر اهداف آن سرنگونی نظام سیاسی ایران قرار دارد (مجبی نیا و صالحی، ۱۳۹۲: ۵).

ملهم از جایگاه جهانی خود، روسیه دارای روابط گسترده‌ای با کشورهای غربی است^۱، این در حالی است که ایران نسبت به آنچه بلوک غربی خوانده می‌شود رویکرد دوستانه‌ای ندارد (Flanagan, 2013:172).

علاوه بر این، برخی موضوعات همچون همکاری اقتصادی ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی در برخی موارد که موجب تضعیف جایگاه روسیه می‌شود؛ مانند انتقال و حمل‌ونقل نفت و گاز منطقه از مسیر ایران، حمل‌ونقل کالا از مسیر ایران به بازار جهانی، جلب و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای بدون حضور روسیه و تدوین رژیم حقوقی دریای خزر^۲ با رعایت کامل حقوق ایران از جمله منافع اختلاف‌زای ایران و روسیه در منطقه هستند (عطایی و شیبانی، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

در حوزه ترانزیت انرژی هدف استراتژیک مسکو گره زدن بخش بزرگی از منابع انرژی دریای خزر و ذخایر داخلی خود به یک مسیر صادراتی است که به لحاظ سیاسی و فیزیکی زیر نظر روسیه باشد. این کشور به دنبال حفظ نفوذ انحصاری سیاسی - اقتصادی در منطقه از طریق کنترل منابع نفت و گاز حوزه خزر است که در چارچوب سیاست‌های کلان این کشور مبنی بر حفظ نفوذ خود در حوزه انرژی در اروپا قرار دارد. درواقع روسیه برنامه جامعی برای حفظ تسلط خود بر بازار انرژی اروپا در پیش گرفته است که دارای ابعاد گسترده‌ای از آسیای مرکز و قفقاز تا خاورمیانه را شامل می‌گردد. در آسیای مرکزی و قفقاز سه سیاست عمده را در پیش گرفته است. حداکثر کردن نقش شرکت‌های نفتی روسیه در پروژه‌های نفت و گاز این منطقه؛ کنترل بر ترانزیت نفت و گاز از این منطقه و جلوگیری از تحولات نفتی و گازی یک‌جانبه در این منطقه با استفاده از وضعیت نامشخص رژیم حقوقی دریای خزر (خانی و کریمی پور، ۱۳۹۱: ۳۴-۳۵).

۱- «با وجود تعدیل روابط دو طرف در شرایط کنونی» توسعه مناسبات تجاری با آمریکا و اروپا در مرکز توجه روسیه قرار دارد. اروپا منبع اصلی فناوری‌های پیشرفته و سرمایه‌گذاری‌های خارجی برای روسیه است. از دید رهبران روسیه اتحادیه اروپا مهمترین شریک این کشور در دوران انتقالی و نوسازی سیاسی - اقتصادی است (مجبی نیا و صالحی، ۱۳۹۲: ۹).

۲- مسئله رژیم حقوقی دریای خزر از دیگر حوزه‌های رقابتی بین ایران و روسیه است. به دلیل ذخایر عظیم حوزه خزر، ولادیمیر پوتین پس از روی کار آمدن، چگونگی مدیریت این منطقه را در دستور کار خود قرار داد و برای آن یک نماینده ویژه انتخاب کرد. ویکتور کالیوژنی، نماینده رسمی این کشور در حوزه خزر بود که با رویکردی اقتصادی ایده تقسیم بستر دریای خزر بر اساس خط میانی که به صورت برابر از نقاط مقابل کشیده می‌شود را مطرح نمود. در این راستا، ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۰۰ موافقت‌نامه‌ای را با قزاقستان به امضا رساند و در ادامه توانست موافقت آذربایجان را جلب کند، توافقاتی که ایران نسبت به آن ناخشنود است (خانی و کریمی پور، ۱۳۹۱: ۳۹-۳۶). ایران توافق‌نامه بین روسیه، آذربایجان و قزاقستان را که در تقسیم دریای خزر مبنای «اصل خط میانه» را اعمال کرده است به این دلیل که منجر به کاهش حق ایران به زیر بیست درصد از کل دریا می‌شود را رد کرده است. ایران بر روش تقسیم دریا به مناطق ملی، تضمین آزادی کشتیرانی و تعیین قوانین و مقررات ماهیگیری تاکید دارد، اما روسیه تعیین مناطق ملی، آبهای داخلی و مناطق ماهیگیری را رد می‌کند و چنین استدلال می‌کند که کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل در خصوص حقوق دریاها شامل دریای خزر نمی‌شود (Ivanov, 2014:37).

علاوه بر این مسکو با سرمایه‌گذاری در دیگر مناطق و کشورهایی که منبع بالقوه و بالفعل تامین انرژی اروپا هستند سعی در حفظ و تقویت جایگاه خود در تامین انرژی اروپا داشته است. در این زمینه حفظ تسلط بر بازار مصرف اروپا از اهمیت استراتژیکی برای روسیه برخوردار می‌باشد. این کشور به تلاش‌های خود برای حفظ تسلط خود بر بازار انرژی اروپا و خنثی کردن تلاش این اتحادیه در زمینه تنوع بخشیدن به منابع تامین انرژی خود سعی در نفوذ در ساختار تصمیم‌گیری کشورهایی همچون الجزایر و لیبی نیز داشته است. دوماً روسیه توافق‌نامه‌ای را به تصویب رساند که بدهی چهار میلیارد و هفتصد میلیون دلاری کشورهای آفریقایی را در ازای امضا توافقنامه همکاری گسترده شرکت نفت «سوناتراک» الجزایر و گاز پروم روسیه می‌بخشد. این کمپانی روسی همچنین سهام شرکت‌های متعدد نفتی در لیبی را نیز خریداری کرده است (Magmedov, 2006: 17). درواقع، روسیه و الجزایر تامین کننده بیش از ۸۰ درصد گاز اتحادیه اروپا هستند. همچنین حدود ۴۰ درصد برق تولیدی این اتحادیه با واردات گاز روسی تامین می‌گردد. روسیه هر هزار مترمکعب گاز را به قیمت بسیار بالای ۴۵۰ دلار به اروپا می‌فروشد. توماس فریدمن در مقاله‌ای در روزنامه نیویورک تایمز چنین آورده است که تاثیر خطوط لوله گاز در شرایط فعلی بسیار بیشتر از موشک‌های اس اس ۲۲ آن می‌باشد، امری که به‌روشنی بیانگر اهمیت استراتژیک بازار انرژی اروپا برای روسیه است (پور احمدی، خوشکار، ۱۳۹۱: ۵۱).

در این زمینه با وجود اینکه دو کشور ایران و روسیه منافع مشترکی در مخالفت با احداث پروژه‌هایی همچون خط لوله ترانس کاسپین دارند، اما دو کشور در بلندمدت رقبای طبیعی برای نفوذ در بازار اروپا هستند. ایران و روسیه به‌عنوان مهمترین اعضا مؤسس اوپک گازی چشم‌انداز محدودی برای همکاری در حوزه گازی دارند (Flanagan, 2013: 172-173). علاوه بر این، ایران در جهت بهره‌مندی از مزایای اقتصادی حوزه خزر به دنبال عملی کردن طرح خط لوله قزاقستان، ترکمنستان ایران است که به‌نوعی مکمل طرح خط آهن قزاقستان - ترکمنستان - ایران خواهد بود (کرمی و کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۳: ۱۴۱).

۳-۱. خاورمیانه

درحالی‌که راهبرد روسیه در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز عمدتاً متأثر از مسایل ژئوپلیتیکی است، رویکرد این کشور در خاورمیانه ملهم از برداشت این کشور از جایگاه آن در ساختار قدرت نظام بین‌الملل می‌باشد. در این راستا مهمترین اهداف روسیه در خاورمیانه عبارتند از:

- ممانعت از استراتژی تغییر رژیم آمریکا در خاورمیانه که یکی از پیامدهای عمده آن کاهش نفوذ روسیه در سطح منطقه است. در این راستا روسیه خواهان تعیین شاخصه برای اعتراضات داخلی و اعتراضاتی که با حمایت دیگر کشورها صورت می‌گیرند شده است.

- مقابله با سیاست‌های تحریمی غرب و اثبات نقش و جایگاه جهانی روسیه.
- گرایش به شرق و تلاش برای بی‌اثر کردن استراتژی ایزوله کردن روسیه با استفاده از یأس و سرخوردگی اعراب از سیاست‌های آمریکا^۱. نمونه بارز آن نیز سفر پوتین به مصر بود که با یک معامله تسلیحاتی که توسط عربستان حمایت مالی می‌شود، انجام گرفت. همچنین روسیه در حاشیه نشست اجلاس جهانی اقتصاد در سن‌پترزبورگ، با ملک سلمان دیدار و شش قرارداد را با وی به امضا رساند که همکاری دو کشور در زمینه‌های هوافضا، توسعه زیرساخت‌ها، همکاری‌های اتمی که کمک روسیه در تاسیس ۱۶ راکتور اتمی در عربستان را نیز پیش‌بینی می‌کند (Zvyagelskaya, 2015:2).

به‌منظور اجرایی شدن چنین اهدافی، روسیه طی یک سال اخیر فعالیت‌های خود در خاورمیانه را افزایش داده است. پس از اعلام بدون مانع بودن تحویل سامانه اس-۳۰۰ به ایران و سفر سرگی شویگ، وزیر دفاع روسیه، به تهران در ماه ژانویه، سفر ولادمیر پوتین به مصر، سفر محمود عباس به مسکو برای بحث در خصوص فرآیند صلح فلسطین-اسرائیل در آوریل ۲۰۱۵، تعاملات روسیه و اردن در خصوص تاسیس راکتور اتمی در اردن، سفر مقامات سعودی به مسکو و از همه مهم‌تر مداخله فعال در جنگ داخلی سوریه نشانه‌های علاقه روسیه به تعامل با عمده کشورهای منطقه خاورمیانه دارد^۲ (Dekel and Magen, 2016). شاید بتوان مشخصه اصلی روابط روسیه با کشورهای خاورمیانه را به‌عنوان «فاصله برابر» یا «نزدیکی برابر» شناخت. این بدین معنی است که این کشور

۱- علاوه بر موارد مطروحه؛ روسیه در خاورمیانه اهداف دیگری همچون مبارزه با تروریسم، رادیکالیسم اسلامی و عدم گسترش سلاح‌های کشتارجمعی نیز دارد؛ اما سه هدف مذکور مهمترین اهداف روسیه برای حفظ جایگاه خود در ساختار قدرت جهانی هستند و از این‌رو دیگر سیاست‌های این کشور با توجه به این اهداف تدوین می‌شوند.

۲- روزنامه «راشاتودی» به نقل از روزنامه «کامرسانت» خبر از مذاکرات شاه بحرین برای خرید سامانه «اس-۴۰۰» از روسیه کرده است. این روزنامه به نقل از منابع روسی نوشته بود که احتمال فروش «اس-۴۰۰» در مذاکرات سه‌شنبه گذشته میان رئیس‌جمهور روسیه و شاه بحرین مطرح‌شده و به گفته برخی منابع، «پوتین نسبت به انجام چنین معامله‌ای، اعتراض و مخالفت ندارد» (سایت الف، ۱۳۹۵/۰۶/۲۰). در ۱۲ نوامبر ۲۰۱۴ خبرگزاری تاس (TASS) روسیه در گزارشی به نقل از معاونت آژانس فدرال همکاری‌های تکنولوژیک روسیه ارایه کرد که طی آن از فروش سامانه موشکی «اس-۳۰۰» وی‌ام» به مصر پرده برداشت. (Magen and Shapir, 2014:1). همچنین گزارش‌هایی در زمان سفر وزیر امور خارجه و وزیر دفاع روسیه به مصر در نوامبر ۲۰۱۳ و همچنین سفر عبدالفتاح السیسی به مسکو در فوریه ۲۰۱۴ در خبرگزاری‌ها درج شد که از معامله تسلیحاتی سنگین بین روسیه و مصر خبر می‌داد که طی آن قرار بر این بود مصر ۲۴ فروند هواپیمای «میگ ۳۵» را به مصر بفروشد. در صورت عملی شدن چنین معاملاتی وضعیت موازنه قدرت در منطقه به‌شدت تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و علاوه بر پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران، حتی قدرت مانور نیروی هوایی اسرائیل نیز به‌شدت محدود خواهد شد (Shapir, Magen and Perel, 2014).

به دنبال گسترش روابط با همه کشورهای منطقه که با آنها منازعه مستقیمی ندارد می‌باشد. اتخاذ چنین سیاستی از سوی روسیه موجب ایجاد بی‌اعتمادی و مانع از تعمیق روابط بلندمدت با ایران می‌شود (Dutkiewicz and Kozhanov, 2016:9).

ایران به‌عنوان رهبر محور مقاومت، قدرتی است که منافع و امنیت آن در سطح منطقه تعریف می‌گردد. خواست جمهوری اسلامی ایران این است که با توجه به تاریخ، فرهنگ غنی و توانمندی‌های آن به‌عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای با آن رفتار شود. با این حال اکثر کشورهای عربی منطقه ایران را به‌عنوان تهدیدی برای خود در نظر می‌گیرند و به همین خاطر به دنبال جلوگیری از قدرت‌یابی آن هستند. حمایت ایران از حزب‌الله لبنان، دولت بشار اسد، شبه‌نظامیان شیعه در عراق و یمن و حمایت از انقلابیون بحرین مسایلی هستند که در سیاست خارجی ایران مطرح هستند و از نظر کشورهای عربی مجموع این شاخص‌ها تصویری مخرب از نقش ایران در سطح منطقه ارایه کرده است. درواقع ایران مناطق وسیعی از غرب افغانستان تا دریای مدیترانه را نه با نیروی نظامی بلکه با استفاده از متحدین خود کنترل می‌کند، امری که به‌شدت عصبانیت کشورهای عرب و سنی منطقه به‌ویژه حاشیه جنوبی خلیج‌فارس را به دنبال داشته است. از این‌رو این کشورها تمام سعی خود را برای مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران و تضعیف آنچه محور مقاومت خوانده می‌شود به کار بسته‌اند (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹۴: ۲-۴).

۴-۱. سوریه

در یک نگاه کلی روسیه مخالف تحولات انقلابی خاورمیانه موسوم به بهار اسلامی/عربی است و این کشور انقلاب‌های مزبور را ملهم و حتی مورد حمایت آمریکا می‌داند. روس‌ها (در کنار چینی‌ها) نگران وقوع چنین ناآرامی‌هایی در کشور خود نیز هستند. روسیه که در جریان ناآرامی‌های لیبی از غرب رودست خورد و بازی را به آمریکا و متحدان آن باخت، تلاش داشته است با بهره‌گیری از تجربه لیبی با مداخله نظامی غرب مقابله و از آن جلوگیری کند. از این‌رو، روسیه مخالف ایجاد منطقه ممنوعه در سوریه است. علاوه بر این، روسیه حمایت خود از سوریه را در راستای حفظ تعامل مثبت خود با ایران نیز می‌داند. روسیه نگران است که با حل‌وفصل مناقشه اتمی و باز شدن شرایط برای بهبود تعاملات با اروپا و آمریکا، نفوذ خود در ایران را نیز از دست بدهد، امری که برای روس‌ها خوشایند نخواهد بود زیرا رویکرد ضدآمریکایی ایران و تلاش برای مقابله با نفوذ این کشور

در سطح منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و همچنین خاورمیانه در زمره منافع و اهداف مشترک دو کشور بوده است. چنین رویکردی از سوی ایران در راستای استکبارستیزی و در روسیه در راستای آنچه این کشور مخالفت با یکجانبه‌گرایی آمریکا و حمایت از چندجانبه‌گرایی می‌نامند تعریف می‌شود (Katz, 2012: 61-62).

با وجود منافع مشترک دو کشور ایران و روسیه در سوریه، وجود اختلافات مابین دو طرف غیرقابل انکار است. تقابل با غرب و برنامه پوتین برای احیای روسیه به‌عنوان یک قدرت جهانی بانفوذ ازجمله مهمترین دلایل ورود روسیه به منازعه سوریه هستند. رویکردی که با رویکرد ایران در منطقه تفاوت‌هایی دارد. این کشور از طریق حمایت از دولت بشار اسد به دنبال مبارزه برای حفظ موقعیت و جایگاه منطقه‌ای خود است. محافظه‌کاران ایران مفهوم «خط دفاعی»^۱ را در این راستا تدوین کرده‌اند که شامل عراق، سوریه، لبنان و یمن می‌باشد. از نظر ایران هریک از این کشورها خط مقدم ایران در مقابل رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی که به دنبال تضعیف موقعیت منطقه‌ای ایران هستند، می‌باشند. از این‌رو، حضور ایران در سوریه از نظر ایران به‌عنوان بخشی از سیاست سنتی ایران در تقابل با آمریکا و اسرائیل در نظر گرفته می‌شود (Dutkiewicz and Kozhanov, 2016: 13). این در حالی است که روسیه تضمین کرده است، فعالیت‌هایش در سوریه تهدیدی را متوجه اسرائیل نخواهد کرد. سیاستی که در مقابل منافع ایران قرار دارد (Dutkiewicz and Kozhanov, 2016: 13). ایران در خصوص بهبود روابط اسرائیل و روسیه و گفتگوهای سطح بالای دو طرف مزبور ازجمله سفر پوتین به تل‌آویو در سال ۲۰۰۵ و ۲۰۱۲ و همچنین سفرهای بنیامین نتانیاهو به مسکو نگران است. هماهنگی‌های نظامی بین مسکو و تل‌آویو بخصوص ایجاد مرکز هماهنگی نظامی بین روسیه و اسرائیل در سطح معاونت ستاد مشترک ارتش در سوریه با منافع جمهوری اسلامی ایران همخوانی ندارد. در این زمینه ایران به‌ویژه نسبت به محدودیت‌هایی که این مرکز هماهنگی برای انجام فعالیت‌های آن برای ایجاد تاسیساتی در مناطق جنوبی سوریه در همکاری با حزب‌الله شده است، خشنود نیست (Kam, 2016: 46). در واقع از نظر ایران، بدون موافقت و یا حداقل سکوت روسیه حملات اسرائیل به مواضع جمهوری اسلامی ایران و متحدان آن در سوریه، به‌ویژه بعد از خروج آمریکا از برجام، امکان‌پذیر نبود.

1-Line of Defense.

مهمترین هدف ایران در سوریه ایجاد نظم با اولویت و حاکمیت علوی‌ها است. درواقع، وجود یک محور قدرتمند ایران، عراق، سوریه و لبنان نیازمند حفظ حاکمیت علویان در سوریه است. چنین برنامه‌ای از نظر رقبای منطقه‌ای آن در راستای تفوق طلبی ایران در سطح منطقه از طریق ایجاد حوزه نفوذ تحت رهبری خود و بازداشتن رقبای منطقه‌ای همچون (عربستان، ترکیه) و رقبای بین‌المللی (غرب) است (Magen, Dekel, Fainberg, 2016).

این در حالی است که روسیه هیچ علاقه‌ای به عضویت در یک کمپ طرفدار شیعه در تقابل شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان ندارد.^۱ روسیه نمی‌خواهد خود را درگیر در یک نزاع گسترده‌تر شیعه و سنی در سطح منطقه گرفتار کند.^۲ به‌ویژه این امر امنیت ملی روسیه را به دلیل دارا بودن نزدیک به ۱۵ میلیون نفر جمعیت سنی مذهبی که رویکرد ضد ایرانی دارند به خطر می‌اندازد. روسیه زمانی که روابط خود با تهران را توسعه می‌دهد، به‌طور جدی عنصر شورای همکاری خلیج فارس را در نظر می‌گیرد. روسیه نمی‌خواهد که خود را در موضع متحد کامل تهران قرار دهد، زیرا این امر روابط این کشور و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به‌ویژه که روسیه هنوز این کشورها را به‌عنوان منابع بالقوه‌ای برای سرمایه‌گذاری در اقتصاد روسیه در نظر دارد. درواقع حمایت مالی و سیاسی ریاض و ابوظبی برای اجرای موفقیت‌آمیز پروژه‌های مشترک با مصر همچون برنامه ایجاد منطقه صنعتی مشترک و توسعه صنعت اتمی مصر بسیار مهم است. در طرف مقابل، ایران نیز علاقه‌ای به درگیر شدن در تقابل روسیه و غرب ندارد چراکه به منابع مالی و تکنولوژی اروپا نیازمند است (Dutkiewicz and Kozhanov, 2016:13).

رویکرد روسیه در قبال سوریه نوعی «عمل‌گرایی حداقلی» است. عمل‌گرایانه است چون مهمترین هدف آن حفظ منافع ژئوپلیتیکی آن در غرب سوریه ازجمله دسترسی به بنادر مدیترانه‌ای آن و حفظ پایگاه‌های نظامی آن در سوریه است و حداقلی است چون حاضر به همکاری با غرب در

۱- روسیه در جهت جلب نظر مثبت عربستان گفتگوها و نشست‌های متعددی با رهبران عربستان برگزار کرده است. ازجمله اینکه در ژوئن ۲۰۱۵ در مسکو و در اکتبر همین سال در سوچی، ولادیمیر پوتین با محمد بن سلمان، وزیر دفاع عربستان، نشست‌هایی را برگزار کرد که هدف آن جلب رضایت و همکاری عربستان در خصوص تحولات منطقه به‌ویژه مسئله سوریه بود. چنین تلاش‌هایی از سوی روسیه در خصوص عربستان در تاریخ روابط خارجی این دو کشور بی‌سابقه بوده است (Lerman, 2015).

۲- ولادیمیر پوتین در کنفرانس ج-۲۰، در چین سال ۲۰۱۶، اعلام کرد که «ما درباره روابط ویژه ایران و عربستان می‌دانیم اما تلاش می‌کنیم تا در آن دخالت نکنیم». چنین اظهارنظری به‌روشنی بیانگر رویکرد متعادل روسیه نسبت به ایران و رقبای عرب منطقه‌ای آن است (وبسایت الف به نقل از راشاتودی، ۱۳۹۵/۰۶/۱۵).

زمینه ساختار آتی نظام سیاسی در سوریه و ایجاد سیستم فدرال در این کشور و حتی قربانی کردن بشار اسد است. در این زمینه سرگی لاوروف اعلام کرد که «سوریه متحد روسیه به مانند اتحاد آنکارا با واشنگتن نیست». این در حالی است که رویکرد ایران به سوریه مبتنی بر حداکثر گرایی ایدئولوژیک است. ایدئولوژیک است چون سوریه را در قالب محور مقاومت تعریف کرده و نگاه و رویکرد ایدئولوژیک آتی آن برای ایران از اهمیت زیادی برخوردار است، حداکثر گرایی است چرا که مخالف سرسخت هرگونه نظام فدرال و بحث در خصوص برکناری بشار اسد است (Azizi, 2016).

درواقع، هر دو کشور در حفظ ثبات دولت بشار اسد دارای منافع مشترک هستند اما حفظ بشار اسد برای ایران از اهمیت حیاتی برخوردار است زیرا هر دولت جایگزینی دیگر نمی تواند به مانند اسد تامین کننده منافع ایران باشد درحالی که از نظر روسیه حفظ اسد مهم است اگرچه بدون اسد نیز می تواند با استفاده از تعاملات نظامی با دولت سوریه تعامل داشته باشد. درواقع برای روسیه بسیار مهم است که ترتیباتی در سوریه اتخاذ شود که ضمن حفظ منافع روسیه در سوریه و خاورمیانه، موردپذیرش جامعه بین المللی (اعراب و آمریکا)^۱ باشد؛ حتی اگر هزینه این چنین ترتیباتی حذف بشار اسد باشد. نکته نگران کننده برای ایران این واقعیت است که با وجود نقش بی بدیل ایران در نبردهای زمینی این روسیه است که دست برتر را در معادلات سوریه به سبب حضور نیروی هوایی، دریایی و سیستم های دفاع هوایی قدرتمند، عضویت دایم در شورای امنیت و وتوی تلاش های غربی و اعراب برای صدور مجوز حمله نظامی به دولت اسد، همکاری همزمان با ایران و دولت اسد از یک سو و توانایی تعامل با آمریکا و دیگر بازیگران فعال در بحران داخلی سوریه همچون گروه های مخالف دولت بشار اسد، ترکیه، اعراب حوزه جنوبی خلیج فارس و اسرائیل را دارد، امری که چندان مقبول ایران نیست. در همین زمینه، محمدعلی جعفری، فرماندهی سپاه، در نوامبر ۲۰۱۵، اعلام

۱- علاوه بر ملاحظات روسیه نسبت کشورهای سنی مذهب و عرب زبان منطقه، تعاملات این کشور با ترکیه، به عنوان یکی از اعضا محور سنی در تحولات سوریه، نیز در تصمیم گیری این کشور نقش مهمی دارد. با وجود رقابت دو کشور روسیه و ترکیه برای تبدیل شدن به مرکز ترانزیت انرژی از منطقه اوراسیا به اروپا، دو کشور روابط اقتصادی گسترده ای دارند. روسیه و ترکیه در سال ۲۰۱۰ شروع همکاری های استراتژیک را اعلام کردند که شامل شورای عالی همکاری، نشست سالانه، ایجاد گروه برنامه ریزی های استراتژیک مشترک می باشد. با وجود اینکه روابط دو کشور در سطح تاکتیکی باقی ماند، اما روابط دو کشور گسترش قابل ملاحظه ای را تجربه کرده است. از سال ۲۰۰۸ روسیه رتبه نخست را در میان شرکای تجاری ترکیه را به خود اختصاص داده است و حجم تعاملات اقتصادی آنها در سال ۲۰۱۱ به بیش از ۳۰ میلیارد دلار رسید. بازرگانان ترکیه ای حدود ۷ میلیارد دلار در اقتصاد روسیه سرمایه گذاری کرده اند و شرکت های ترکیه ای تاکنون قراردادهای به ارزش بیش از ۳۳ میلیارد دلار را تکمیل و به اتمام رسانده اند. از نگاه روسی نیز ترکیه یکی از مهمترین بازارهای انرژی برای نفت و گاز روسیه است و ترکیه سومین مقصد صادرات کالاهای روسیه ای محسوب می گردد (Flanagan, 2013: 166-167).

کرد که مداخله نظامی روسیه در سوریه در راستای تامین منافع ملی این کشور است و روسیه آنچنان اهمیتی که ایران برای اسد قایل می‌باشد را قایل نیست (Kam, 2016:43-46). درواقع روسیه در صورت لزوم هیچ ابایی از قربانی کردن منافع جمهوری اسلامی ایران در سوریه به‌منظور جلب حمایت محور غربی – اعراب و تامین منافع ملی خود نخواهد داشت.

ازاین‌رو، هر دو کشور ایران و روسیه علاقمند به اتحاد کامل نیستند و در خصوص ایجاد مرکز فرماندهی مشترک عجله‌ای نداشته‌اند و در بیشتر موارد ترجیح داده‌اند که یک مسیر موازی را به‌سوی یک هدف مشابه در پیش گیرند (Dutkiewicz and Kozhanov, 2016:14).

۱-۵. اسرائیل

روابط روسیه و اسرائیل از همان آغازین سال‌های تشکیل اسرائیل شروع شد. ابتدا در آگوست ۱۹۴۸ دفتر سیاسی رژیم صهیونیستی و سپس در ژوئن ۱۹۵۴ سفارت این کشور در تل‌آویو باز شد، اما ملهم از شرایط جنگ سرد و به‌ویژه جنگ سال ۱۹۶۷ روابط دو طرف به‌شدت تحت تاثیر قرار گرفت و تقلیل یافت (Karasova, 2013:51-53). با وجود این، از زمان روی کار آمدن ولادیمیر پوتین در مارچ ۲۰۰۰، روابط دو طرف گسترش قابل‌ملاحظه‌ای یافته است. مقامات روسی و اسرائیلی نشست‌ها و مکالمات تلفنی متعددی را به‌صورت منظم با همدیگر دارند و کانال‌های متعدد ارتباطی بین آنها وجود دارد (Borshchevskaya, 2016)^۱ این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران در خصوص بهبود روابط اسرائیل و روسیه و گفتگوهای سطح بالای دو طرف، ازجمله سفر پوتین به تل‌آویو در سال ۲۰۰۵ و ۲۰۱۲ و همچنین سفرهای بنیامین نتانیاهو به مسکو نگران است (Kam, 2016: 46)^۲. مسکو از اتخاذ سیاست گسترش تعاملات با اسرائیل طی یک دهه گذشته اهداف خاصی را دنبال کرده است. اسرائیل بیش از یک میلیون شهروند روسی الاصل را در خود جای داده است و روسیه به شهروندان روس زبان در سراسر جهان به‌عنوان منبعی برای گسترش نفوذ خود می‌نگرد. ازاین‌رو،

۱- زوی هیفتز (Zevi Heifetz)، سفیر جدید اسرائیل در روسیه در نوامبر ۲۰۱۵ بیان داشت که ما می‌خواهیم جشن سالگرد برقراری روابط بین دو طرف را در بالاترین سطح برگزار کنیم. در همین زمینه ولادیمیر پوتین نیز اعلام کرد که ما از روابط سازنده بین روسیه و اسرائیل خوشحالیم و روابط بین طرفین به سطح بالایی رسیده است (Borshchevskaya, 2016).

۲- با وجود این باید توجه داشت که بین اسرائیل و روسیه در خصوص سیاست‌های خاورمیانه‌ای اختلافاتی وجود دارد که عبارتند از: ۱- نگاه متفاوت دو طرف در خصوص محور ایران، حزب‌الله و سوریه ۲- راهبرد متفاوت دو طرف در خصوص صلح اعراب- اسرائیل ۳- فشار و فعالیت‌های روبه گسترش روسیه در پیشبرد سیاست منطقه‌ای از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه با لحنی ضد اسرائیلی که نمونه آن را در جریان کنفرانس بازنگری ان-پی-تی در سال ۲۰۱۰ مشاهده می‌شود ۴- انتقال و فروش سامانه موشکی اس-۳۰۰ به ایران (Maagen, 2015:37).

روسیه بر گسترش تعاملات فرهنگی بین دو طرف تاکید دارد. روسیه به دنبال گسترش روابط فرهنگی خود با اسرائیل، یک مرکز فرهنگی را در تل‌آویو ایجاد کرده است. همچنین در راستای گسترش تعاملات توریستی نیز توافقنامه‌ای را به امضا رساندند که شهروندان آنها بدون ویزا به کشور مقابل سفر کنند (Freedman, 2008:184, and Borshchevskaya, 2016). علاوه بر این، روابط مسکو و تل‌آویو در ابعاد سیاسی - اجتماعی فرو ملی همچون روابط بین احزاب نیز گسترش یافته است و حزب کادیمای اسرائیل با حزب روسیه متحد پوتین توافق‌نامه همکاری‌های بین حزبی را به امضا رسانده است (Freedman, 2008:184).

در حوزه اقتصادی نیز مسکو و تل‌آویو دارای تعاملات نسبتاً خوبی هستند. حجم تعاملات اقتصادی روسیه و اسرائیل ۳,۵ میلیارد دلار است که عمدتاً مربوط به حوزه‌های تکنولوژی سطح بالا^۱ است که روسیه به‌منظور توسعه اقتصاد خود و پر کردن شکاف بین اقتصاد این کشور و غرب به آن نیاز دارد. دو طرف در حال مذاکره برای برگرداندن بخشی از دارایی‌های سزار در بیت‌المقدس به روسیه هستند، آنها همچنین در معاملات تسلیحاتی دوجانبه و فروش تسلیحات به دیگر کشورها با یکدیگر همکاری می‌کنند که نمونه آن فروش هواپیماهای آواکس^۲ به هند است (روسیه بدنه و اسرائیل تجهیزات الکترونیکی آن را فراهم کرد) (Freedman, 2008:184). در راستای همکاری‌های دو طرف در معاملات تسلیحاتی، اسرائیل در سال ۲۰۱۵، ۱۰ فروند هواپیمای بدون سرنشین تحقیقاتی را به روسیه فروخت (Borshchevskaya, 2016).

نکته دیگر اینکه، منازعه فلسطین اسرائیل مسئله مهمی در سیاست جهانی است و روسیه علاقمند به ایفای نقش دیپلماتیک در آن و یا یافتن راه‌حلی برای این منازعه است؛ امری که به ارتقا نقش روسیه به‌عنوان یک میانجی جهانی کمک خواهد کرد و نفوذ این کشور در خاورمیانه را گسترش خواهد داد (Freedman, 2008:184, and Borshchevskaya, 2016). روسیه به استدلال اسرائیل مبنی بر حفظ موازنه قدرت در خاورمیانه احترام می‌گذارد (Reback, 2015). نشانه بارز این امر خودداری چند ساله مسکو از تحویل سامانه اس-۳۰۰ به تهران و دمشق، توافق سری دو طرف در عدم‌مداخله در منازعاتی که یکی از دو طرف درگیر در آن هستند، امری که پیرو آن اسرائیل

1- High Tech Sector.

2-AWACS Aircraft.

نسبت به تحولات اوکراین بی‌طرف ماند^۱ و روسیه نیز تاکنون از به چالش کشیدن اسرائیل در خصوص فلسطین حتی در زمان عملیات لبه محافظ^۲ خودداری کرده است. درواقع از نظر روسیه اسرائیل بازیگر مهم منطقه‌ای است که نقش برجسته‌ای در مقابله با رادیکالیسم اسلامی و حفظ ثبات منطقه‌ای دارد، اما اگر مسئله نفوذ آن در منطقه در تقابل با آمریکا مطرح باشد، روسیه ابایی از قربانی کردن اسرائیل نخواهد داشت (Dekel and Magen, 2016).

وجود چنین سطحی از روابط بین اسرائیل و روسیه باعث شد که روس‌ها نسبت به اظهارات ضد اسرائیلی ایران نیز واکنش نشان دهند. بعد از اینکه محمود احمدی‌نژاد اعلام کرد که برای مرگ زودهنگام آریل شارون دعا می‌کند و ایده نابودی اسرائیل و محو آن از روی نقشه جغرافیا را مطرح کرد، روسیه این موضع‌گیری رییس جمهوری ایران را محکوم کرد درحالی‌که مقامات روسی به‌خوبی می‌دانند اسرائیل مهمترین تهدید و دشمن جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه است (Aras and Ozbay, 2008:53).

نتیجه‌گیری

با توجه به مجموع مباحثی که در بالا ذکر آنها رفت می‌توان گفت دو مفهوم ژئوپلیتیک و جایگاه در نظام بین‌الملل به‌خوبی تبیین کننده دلایل واگرایی منافع ایران و روسیه در عرصه سیاست خارجی هستند.

- تعامل روسیه با ایران از زمان انقلاب تاکنون همواره روندی سینوسی را تجربه کرده است که در آن ایران برای روسیه نقش یک کارت بازی را داشته است و هیچ‌گاه این کشور جمهوری اسلامی ایران را یک شریک در نظر نگرفته است. مهمترین علت این سیاست از سوی روسیه این واقعیت است که در صورت قرار گرفتن در کنار ایران به‌عنوان یک متحد، روسیه ناگزیر از پرداخت هزینه‌های آنچه در مقابل غرب و چه در مقابل دنیای سنی مذهب (به‌ویژه عرب‌زبان به رهبری عربستان) است. از این‌رو جمهوری اسلامی ایران نیز باید با اتخاذ سیاستی واقع‌گرایانه در تعامل با

۱- اسرائیل در جریان بحران گرجستان و جدا شدن اوستیای جنوبی و آبخازیا نگرانی‌های روسیه را ملحوظ داشت و سرگی لاوروف از سیاست اسرائیل مبنی بر توقف فروش سلاح به گرجستان در جریان این بحران تشکر کرد (Freedman, 2008:184).

2- Protecting Edge Operation.

روسیه متوجه منفعت‌طلبی این قدرت جهانی باشد و به اصطلاح تمام تخم مرغ‌های خود را در سبد روسیه قرار ندهد.

- در سطح بین‌المللی روسیه در راستای به نمایش گذاشتن جایگاه جهانی خود و اصرار بر رویکرد مسئولیت‌پذیری خود سعی در دفاع از قواعد بین‌المللی و تقویت جایگاه سازمان ملل به‌منظور تسهیل راهبرد این کشور در مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا و تقویت روندهای منتهی به چندجانبه‌گرایی داشته است. در این راستا روسیه سعی دارد در برخورد با بحران‌های بین‌الملل نیز بر این تز حقوق بین‌الملل‌گرایانه تاکید کند. از این‌رو، در مسئله اتمی ایران و بحران‌های خاورمیانه از جمله بحران سوریه، همواره بر نقش سازمان ملل، اجرای قواعد و مقررات بین‌المللی و حقوق بین‌الملل تاکید داشته است. در این چارچوب است که این کشور دخالت‌های آمریکا در کشورهای منطقه را بدون اجازه سازمان ملل و دولت‌های حاکم غیرقابل قبول و غیرقانونی می‌داند. این رویکرد روسیه عمدتاً در جهت منافع ملی ایران است و می‌تواند به‌عنوان یک حوزه همکاری در تعاملات بین دو کشور مطرح باشد کما اینکه تاکنون نیز بوده است.

- در سطح منطقه‌ای، در آسیای مرکزی و قفقاز، برای روسیه حفظ روابط خوب و مثبت با کشورهای عضو جامعه مشترک‌المنافع از اولویت برخوردار است و برای این کشور حضور هر بازیگر رقیبی در هر حوزه‌ای می‌تواند منافع روسیه را در این منطقه به خطر اندازد مگر آنکه چنین حضوری با هماهنگی با روس‌ها و در جهت منویات کرملین باشد. از این‌رو، موقعیت ژئوپلیتیکی منحصربه‌فرد ایران برای انتقال انرژی حوزه خزر به بازارهای بین‌الملل در رقابت با روسیه و همچنین موقعیت بسیار خوب ژئوپلیتیکی این کشور در اتصال کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی و قفقاز به بازارهای جهانی تهدیدی جدی برای منافع روسیه در این منطقه به شمار می‌رود و در این راستا روسیه سعی در تدبیر امور با رهبری خود داشته است که نمونه آن در توافقنامه این کشور با قزاقستان و آذربایجان در زمینه تعیین رژیم حقوق دریای خزر بدون موافقت ایران دیده می‌شود.

- دو کشور روسیه و ایران به ترتیب دارای رتبه اول و دوم منابع گاز جهان و همچنین جز بزرگترین کشورهای صادرکننده نفت محسوب می‌گردند. برای روسیه کنترل و تسلط بر بازار جهانی گاز امری مهم و استراتژیک محسوب می‌گردد همچنان که برای جمهوری اسلامی ایران نیز نفوذ در بازارهای جهانی نفت و گاز بسیار مهم است. این جنبه از واقعیات وجودی دو کشور ایران

و روسیه خواه‌ناخواه آنها را در بلندمدت به رقیب همدیگر تبدیل کرده است. ایران و روسیه هم در زمینه انتقال انرژی حوزه خزر و هم انتقال انرژی خود این کشورها به بازارهای جهانی به‌ویژه اروپا و چین در رقابت هستند. در این راستا جمهوری اسلامی ایران باید، اولاً برنامه منسجمی برای سرمایه‌گذاری در صنایع گاز خود به‌منظور افزایش سطح تولید خود داشته باشد، ثانیاً باید با استفاده از فضای مثبت به وجود آمده بعد از برجام در راستای گسترش صادرات خود به ترکیه و پاکستان برنامه‌ریزی دقیقی داشته باشد. کشور ترکیه می‌تواند کانال مناسبی برای صادرات به اروپا باشد و کشور پاکستان نیز مسیر مناسبی برای دسترسی مستقیم و زمینی به بازار یک و نیم میلیاردی چین خواهد بود.

- حضور روسیه در خاورمیانه و گسترش حوزه‌های تقابل بین این کشور و غرب به منطقه خاورمیانه از دو بعد به نفع منافع ملی ایران است. اول اینکه؛ حضور روس‌ها به ایجاد توازن قدرت در مقابل بلوک طرفدار غرب به رهبری آمریکا در منطقه می‌شود و دوم اینکه رفتار مجموعه غرب در خصوص ایران را به دلیل نگرانی از گرایش بیشتر ایران به سمت روسیه در شرایط کنونی تعدیل خواهد کرد. از این‌رو حضور نظامی روسیه در سوریه در مجموع به نفع ایران بوده است. درواقع شاید مهمترین پیام استقرار هواپیماهای روسیه در پایگاه هوایی نوزه به غرب همین مسئله باشد، اگرچه به‌نظر این پیام بیشتر پیامی از سوی روسیه به آمریکاست که بتواند این کشور و متحدان اروپایی آن را از اعمال فشار بیشتر بر این کشور برحضر دارد. با وجود این، حضور نظامی روسیه در سوریه به سبب منافع بلند و تقویت جایگاه جهانی آن در مقابل رقیب جهانیاش آمریکا است که ازجمله اجزای این سیاست حفظ تعامل مثبت با بلوک شیعی به رهبری ایران می‌باشد، اما روسیه درعین حال برای روابط خود با دنیای عرب و دنیای غرب اهمیت بسیار زیادی قایل است و در صورت لزوم برای تامین منافع خود با این بلوک قایل به معامله خواهد بود.

از این‌رو، با وجود اینکه حضور نظامی روسیه در سوریه تاکنون به نفع منافع ملی جمهوری اسلامی ایران بوده است، اما این کشور منافع خود را دنبال می‌کند و لزوماً با آنچه راهبرد جمهوری اسلامی ایران در سوریه است همراه نیست. در این زمینه، باید متوجه تعاملات روسیه و آمریکا در دوره ترامپ از یک‌سو و تعاملات مثلث مسکو، ریاض و تل‌آویو از سوی دیگر بود.

- به‌نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران باید در راستای تامین منافع خود، در سطحی کلان

از تکیه مفرط بر همکاری با روسیه اجتناب نموده و تعاملات با اتحادیه اروپا را تقویت کند؛ زیرا به نظر می‌رسد رویکرد این اتحادیه نسبت به تعامل با جمهوری اسلامی ایران در سطح دوجانبه و منطقه‌ای مسئولانه‌تر از ایالات متحده آمریکا است. علاوه بر این، تصمیم‌گیران دولت باید نسبت به ارتقا همکاری‌ها با ترکیه اهتمام بیشتری داشته باشد. ایران همچنین باید ضمن تاکید بر گسترش روابط با گروه‌های داخلی سوریه به‌ویژه بسیج مردمی این کشور، روابط خود با کردهای سوریه را گسترش دهد. در این زمینه، ایران به‌مانند ترکیه در جلوگیری از شکل‌گیری خودمختاری کردی در شمال سوریه منافع مشترک دارد، اما در سرکوب آنها هیچ نفعی نخواهد برد. درواقع، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه باید در این راستا باشد که کردهای سوریه را مجاب به حضور در ساختار قدرت در یک دولت فراگیر با محوریت علویان کند. در این صورت می‌توان روی آنها به‌عنوان همراهانی در یک پروژه بلندمدت حساب باز کرد. دلیل این امر به این واقعیت تاریخی، سیاسی، فرهنگی بازمی‌گردد که کردها هم با ترک‌ها و هم با عرب‌ها مشکلات جدی تاریخی - فرهنگی داشته و دارند درحالی‌که با جمهوری اسلامی ایران چنین مشکلاتی ندارند. ازاین‌رو، جمهوری اسلامی ایران باید دولت مرکزی سوریه را از هرگونه نزاع با کردها برحضر داشته و سعی در نزدیکی کردها و دولت مرکزی برای مشارکت دادن آنها در ساختار سیاسی آینده سوریه داشته باشد.

فهرست منابع:

۱. آدمی، علی و الهام کشاورز مقدم (۱۳۹۴)، «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۴۱.
۲. پوراحمدی، حسین و امیرعباس خوشکار (۱۳۹۱)، «مبانی رفتار سیاست خارجی روسیه در قبال پرونده هسته‌ای ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره اول.
۳. جعفری ولدانی، اصغر و رامین جعفری ولدانی، (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر ژئوپلیتیک مرزهای عمان با کشورهای همجوار»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره اول.
۴. جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۹)، «ژئوپلیتیک تنگه هرمز و روابط ایران و عمان»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره سوم.
۵. جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۵)، «دیدگاه‌های نظری در مطالعات منطقه‌ای»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره دویست و بیست و سوم-چهارم.
۶. زین‌العابدین، یوسف و آنام کارساز، (۱۳۸۹)، «جایگاه موقعیت جغرافیایی در نظریه‌های ژئوپلیتیک»، فصلنامه علمی-پژوهش‌های جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره اول.
۷. زیباکلام، صادق و جواد عرب عامری، (۱۳۹۳)، «منابع غیرمترعارف انرژی و جایگاه خلیج فارس در سیاست امنیت انرژی ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۱.
۸. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۹۰)، «واقعگرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۲.
۹. خانی، محمدحسن و داوود کریمی پور، (۱۳۹۱)، «روسیه، دریای خزر و نظام بین‌الملل: گذار استراتژیک»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۸.
۱۰. کرمی، جهانگیر و ولی کوزه‌گر کالجی، (۱۳۹۳)، «الگوهای ضد هژمونیک ایران، روسیه و چین در آسیای مرکزی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۵.
۱۱. عطایی، فرهاد و اعظم شیبانی، (۱۳۹۰)، «زمینه‌های همکاری و رقابت ایران و روسیه در آسیای مرکزی و در چارچوب ژئوپلیتیک»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸.
۱۲. محبی نیا، جهانبخش و منصور صالحی، (۱۳۹۲)، «جنگ سرد نوین در روابط روسیه و آمریکا»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۲۴.
۱۳. ایران آنلاین، (۱۳۹۵)، «صالحی: ساخت دو نیروگاه اتمی جدید بیستم شهریور آغاز می شود/ساخت ۵ سکوی حفاری و ۶ واحد نیروگاه هسته ای توسط روسیه در ایران»، قابل دسترسی در:
<http://www.ion.ir/News/134832.html>
۱۴. سایت الف (۱۳۹۵/۰۶/۲۰)، «فروش اس ۴۰۰ به بحرین برای مقابله با اس ۳۰۰ ایران»، قابل دسترسی در:

<http://alef.ir/vdcgwz9wzak9yt4.rpra.html?390430>

15. Aras, Bulent and Face Ozbay. (2008), "THE Limits of Iran-Russian Strategic Alliance: its History and Geopolitics and the Nuclear Issue", the Korean Journal of Defense Analysis, VOL.20, NO.1, pp.45-60.

16. Azizi, Hamidreza. (2016), "Why Iran should focus on Turkey, not Russia, for Syria cooperation", al-monitor, Available at: <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/05/iran-russia-syria-disconnect-turkey-coperation.html>.

17. Arbatove, Alexei. (2014), "Iran, Russia, and the Ukrainian Crisis", the National Interest.

18. Dekle, Udi and Zevi Magen. (2015), "Delivery of the S-300 Aerial Defence System to Iran: Signaling a change in Russia's Middle East Policy", INSS, No.688, it is available at: www.inss.org.il.

19. Katz, Mark N. (2012), "Russia and Iran", Middle East Policy, Vol.19, No.3, pp.54-64.

20. Kam, Ephraim. (2016), "Will Russia and Iran Walk Hand in Hand", Strategic Assessment, VOL.19, NO.2, PP.41-51.

21. Karasova, Tatyana. (2013), "Russia-Israel Relations, Past, Present, and Future", INSS, PP.51-56, it is available at: www.inss.org.il.

22. Magen, Zevi. (2014), "Between Crises: If and When Russia Fights ISIS", INSS, NO.628, it is available at: www.inss.org.il.

23. Magen, Zevi. (2013), "Russia Activity in Current Crises in the Middle East, a View from Israel", INSS, NO.628, pp.32-39, it is available at: www.inss.org.il.

24. Magen, Zvi, Dekel, Udi, and Sarah Fainberg. (2016), "How Deep are the Cracks in the Russian- Iranian Coalition in Syria?", INSS, NO.783, it is available at: www.inss.org.il.

25. Magen, Zvi and Yiftah Shapir. (2014), "Egypt's Report Acquisition of the S-300VM Air Defense System", INSS, NO.637, it is available at: www.inss.org.il.

26. Magomedove, Arbkan. (2006), "Russia's Policy Towards the Caspian Sea Region and Relations With Iran", Russian Analytical Digest, pp.16-19, it is available at: www.css.ethz.ch/publications/pdfs/RAD-6-16-18.pdf.

27. Freedman, Robert.O. (2008), "The Russian Invasion of Georgia- its Impact on Israel and the Middle East", Caucasian Review of International Affairs, VOL.2, NO.4.

28. Lerman, Eran. (2015), "Russian Ambitions, and Israel Opportunities, in the Partition of Syria", INSS, NO.315, it is available at: www.inss.org.il

29. Flanagan, Stephan J. (2013), "The Turkey – Russia – Iran Nexus: Eurasian Power Dynamics", the Washington Quarterly, VOL.36, NO.1, pp.163-178.

30. Handa, Shivani. (2012), "Russia in the Middle East", British American Security Information Council, it is Available at: www.bascint.org.

31. Ivanove, I.S. (2014), "Modern Russia-Iranian Relations: Challenges and Opportunities", Russia International Affairs Council, it is Available at: www.Russiancouncil.ru/en/paper14.
32. Reback, Gedalyah. (2015), "Israel walks Russia's Tightrope", Arutz Sheva.com.
33. Shapir, Yiftah, Magen, Zevi and Gal Perel. (2014), "MIG-35s for Egypt: a Veritable Change of Direction?" INSS, NO.544, it is available at: www.inss.org.il.
34. Pieper, Moritz A. (2012), "Russia and Iran: Strategic partner or Competing Regional Hegemonies?" A critical Analysis of Russian-Iranian Relations in the Post- Soviet Space", *Inquiries Journal*, Vol.4, NO.4, PP.1-8.
35. Borshchevskaya, Anna. (2016), "The Maturing of Israel-Russian Relations", the Washington Institute for Near East Policy.
36. Zvyagelskaya, Irina. (2015), "Russia in a Changing Middle East", Russia International Affairs Council.